

تعهدات اولیه و ثانویه بین‌المللی دولت‌ها در قبال حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه

علیرضا عنابی^۱

ویس قادری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸

چکیده

محیط زیست به عنوان میراث مشترک بشریت، در معرض تهدیدات فزاینده ناشی از مخاصمات مسلحانه قرار دارد؛ تهدیداتی که گاه آثار آنها بسیار فراتر از عرصه‌های نظامی تا نسل‌های آینده امتداد می‌یابد. با توجه به پیچیدگی‌های جنگ‌های معاصر و استفاده از ابزارها و روش‌های نوین نظامی، حفاظت از محیط زیست در زمان مخاصمات به یکی از دغدغه‌های اساسی حقوق بین‌الملل بدل شده است. این مقاله با رویکردی تحلیلی، به واکاوی تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در قبال حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه می‌پردازد و اسناد بین‌المللی کلیدی، از جمله کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی، کنوانسیون ممنوعیت کاربرد نظامی یا هر گونه کاربرد خصمانه از تکنیک‌های دستکاری محیط زیست، اساسنامه رم و پیش‌نویس اصول کمیسیون حقوق بین‌الملل را مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین، با تحلیل اصول بنیادین حقوق بشردوستانه، ابعاد مختلف الزام دولت‌ها به رعایت ملاحظات زیست‌محیطی در زمان جنگ تبیین می‌گردد. ضمن تبیین ضمانت اجراها و مسئولیت‌های ناشی از نقض این تعهدات، نمونه‌هایی از آسیب‌های زیست‌محیطی در مخاصمات معاصر مورد بررسی قرار می‌گیرد تا چالش‌ها و کاستی‌های حقوقی موجود آشکار شود. در نهایت، مقاله با ارائه پیشنهادهایی جهت تقویت سازوکارهای حمایتی بین‌المللی، گامی در جهت ارتقاء حفاظت از محیط زیست در دوران جنگ برمی‌دارد.

واژگان کلیدی

حقوق بین‌الملل محیط زیست، مخاصمات مسلحانه، حقوق بشردوستانه، تعهدات بین‌المللی، کمیسیون حقوق بین‌الملل

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، مراغه، ایران. Dr.a.anabi20@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، مراغه، ایران.

مقدمه

محیط زیست به عنوان سرمایه‌ای بی‌بدیل و میراث مشترک بشریت، در بستر تحولات نوین جهانی بیش از هر زمان دیگری نیازمند حمایت و توجه است. در این میان، مخاصمات مسلحانه همواره یکی از جدی‌ترین عوامل تهدید و تخریب محیط زیست به شمار رفته‌اند؛ به گونه‌ای که آثار مخرب آن‌ها نه تنها محدود به مرزهای جغرافیایی کشورها نمی‌ماند، بلکه گاه تا نسل‌های آینده نیز امتداد می‌یابد. وقوع جنگ‌ها و منازعات نظامی، به‌ویژه با توسعه فناوری‌های نوین نظامی و ظهور سلاح‌هایی با قدرت تخریب گسترده، موجب بروز خسارات زیست‌محیطی جبران‌ناپذیری شده است که گاهی جغرافیای سیاسی و طبیعی مناطق را به کلی دگرگون می‌سازد. از این رو، حمایت از محیط زیست در دوران جنگ و مخاصمات، نه فقط یک الزام اخلاقی و انسانی، بلکه ضرورتی حقوقی و بین‌المللی است که بی‌توجهی به آن می‌تواند مخاطرات جبران‌ناپذیری برای بشریت در پی داشته باشد.

با این حال، علی‌رغم تصویب و توسعه اسناد بین‌المللی متعدد در زمینه حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌الملل محیط زیست، همچنان خلأهای قابل توجهی در نظام حمایت حقوقی از محیط زیست در زمان مخاصمات وجود دارد؛ ضعف ضمانت اجراها، فقدان سازوکارهای اجرایی مؤثر، تفسیرهای مضیق از مقررات موجود و نبود اجماع بین‌المللی بر سر مفهوم و مصادیق آسیب‌های زیست‌محیطی ناشی از جنگ، موجب شده است تا وضعیت حفاظت از محیط زیست در شرایط منازعه همچنان با چالش‌های جدی روبرو باشد. با توجه به افزایش دامنه و شدت مخاصمات مسلحانه در نقاط مختلف جهان و گسترش پیامدهای مخرب زیست‌محیطی آن‌ها، بررسی جامع ابعاد حقوقی این مسئله و تحلیل تعهدات بین‌المللی دولت‌ها بیش از پیش اهمیت می‌یابد. ضرورت پاسخگویی به نیازهای حال و آینده بشر در زمینه حفظ محیط زیست، جامعه جهانی را به سوی اتخاذ رویکردهای نوین و تلاش برای تقویت نظام حمایتی سوق داده است.

در این راستا، مقاله حاضر با هدف بررسی دقیق تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در قبال حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه، به تبیین مبانی نظری و مفهومی موضوع پرداخته و با تحلیل جامع اسناد بین‌المللی کلیدی تلاش می‌کند تا ضمن آشکارسازی نقاط ضعف و قوت نظام حقوقی موجود، جایگاه و مسئولیت دولت‌ها را در این زمینه مشخص سازد. اگرچه پیشینه پژوهش^۱ در این حوزه نشان می‌دهد که تاکنون مطالعات ارزشمندی در زمینه آثار مخاصمات بر محیط زیست و بررسی برخی اسناد بین‌المللی انجام شده است، اما اغلب این پژوهش‌ها به صورت موردی یا محدود به اسناد خاص بوده‌اند و تاکنون تحقیقی جامع که به صورت تطبیقی و تحلیلی کلیه اسناد و مقررات مرتبط را از منظر تعهدات دولت‌ها بررسی کند، کمتر به چشم می‌خورد؛ بنابراین، این مقاله ضمن ارائه تصویری روشن از چالش‌ها

۱- راعی دهقی، هاجر، نجفی، جواد. (۱۳۹۵). حفاظت از محیط زیست در قبال خسارات ناشی از درگیری مسلحانه. فصلنامه علوم محیطی. دوره چهاردهم. شماره ۲. ۱۳۹-۱۵۴.

میرعباسی، باقر، رضائی، محمدرضا. (۱۳۹۸). مسؤولیت بین‌المللی دولتها ناشی از تخریب محیط زیست در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی (مطالعه تطبیقی حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق بین‌الملل کیفری). پژوهش‌های حقوق تطبیقی. دوره ۲۳. شماره ۲. ۱۳۵-۱۵۷.

حکیمی، پویا، آرش‌پور، علیرضا، رئیسی، لیلان. (۱۳۹۸). راهکارهای حقوقی حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه در حقوق بین‌الملل و حقوق اسلامی. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. سال نهم. شماره دوم. ۲۶۵-۲۴۳.

بابایی مهر، علی. (۱۴۰۱). حمایت از محیط زیست جنگل در مخاصمات مسلحانه بر پایه حقوق بشر بین‌الملل. فصلنامه مطالعات بین‌المللی. سال ۱۸. شماره ۴. (۷۲). ۱۰۵-۱۲۰.

عسکری، پوریا. (۱۴۰۱). حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه از دیدگاه کمیسیون حقوق بین‌الملل و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ. مجله حقوقی بین‌المللی. شماره ۶۷. ۱۴۱-۱۶۹.

و خلأهای موجود، در پی آن است که با ارائه راهکارهایی اجرایی و حقوقی، گامی مؤثر در جهت ارتقاء سطح حمایت از محیط زیست در دوران مخاصمات مسلحانه بردارد. ساختار مقاله نیز به گونه‌ای تنظیم شده است که پس از بررسی مبانی نظری و اسناد بین‌المللی، اصول بنیادین حقوق بشردوستانه و تعهدات دولت‌ها، به تبیین ضمانت اجراها و مسئولیت‌ها، بررسی نمونه‌های عینی، شناسایی چالش‌ها و در نهایت ارائه پیشنهادها و راهکارها برای بهبود وضعیت موجود می‌پردازد.

۱. مفاهیم نظری

محیط زیست در حقوق بین‌الملل مفهومی گسترده دارد و شامل کلیه عناصر زیستی و غیرزیستی زمین، از جمله هوا، آب، خاک، منابع طبیعی، گیاهان و حیوانات است؛ به نحوی که حفاظت از آن به عنوان یکی از ضرورت‌های اساسی زندگی بشری در اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است.^۲ در اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ نیز تأکید شده است که انسان حق دارد از محیط زیستی برخوردار باشد که از لحاظ کیفیت، زندگی شایسته و رفاه را برای او فراهم کند و همزمان، مسئولیت حفاظت از محیط زیست به عهده همه دولت‌ها و ملت‌هاست. افزون بر این، حقوق بین‌الملل محیط زیست بر پیوند نزدیک میان ابعاد طبیعی، انسانی و حتی فرهنگی محیط زیست تأکید دارد و آن را نه صرفاً یک موضوع داخلی بلکه دغدغه‌ای جهانی می‌داند.^۳

در زمینه مخاصمات مسلحانه، تعریف پذیرفته‌شده بر مبنای اسناد بین‌المللی همچون کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی این است که هر نوع استفاده از زور مسلحانه میان دولت‌ها یا میان دولت و گروه‌های مسلح غیردولتی که به سطحی از شدت و سازمان‌یافتگی برسد، مخاصمه مسلحانه محسوب می‌شود.^۴ این مخاصمات می‌توانند بین‌المللی یا غیر بین‌المللی باشند و هر یک، آثار زیست‌محیطی قابل توجهی به همراه دارند، چراکه عملیات نظامی اغلب موجب تخریب منابع طبیعی و ایجاد آلودگی‌های گسترده می‌شوند.

حقوق بشردوستانه بین‌المللی که گاهی از آن با عنوان حقوق مخاصمات مسلحانه نیز یاد می‌شود، به مجموعه قواعدی گفته می‌شود که هدف آن محدود کردن آثار جنگ و مخاصمات بر انسان‌ها، اموال غیرنظامی و نیز منابع طبیعی است.^۵ این حقوق از طریق اصول بنیادین همچون اصل تمایز میان اهداف نظامی و غیرنظامی، اصل تناسب در کاربرد نیرو و اصل احتیاط، چارچوبی را برای کاهش آسیب‌های وارده بر محیط زیست در مخاصمات ترسیم می‌کند. به طور مشخص، ماده ۳۵(۳) و ماده ۵۵ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو تصریح می‌کند که دولت‌ها موظف به خودداری از اقداماتی هستند که موجب آسیب گسترده، بلندمدت و شدید به محیط زیست طبیعی می‌شود.^۶ در مجموع، تلاقی میان حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق بشردوستانه، مسئولیت‌ها و تعهدات جدید و مهمی را برای دولت‌ها در

2- Birnie, P., Boyle, A., & Redgwell, C. (2021). *International Law and the Environment*. Fourth ed. Oxford University Press. p.20.

3- Ibid, p.32.

4- Dinstein, Y. (2016). *Non-International Armed Conflicts in International Law*. Cambridge University Press. p.34.

5- Fleck, D. (Ed.). (2013). *the Handbook of International Humanitarian Law*. Third Ed. Oxford University Press. p.51.

6- Schmitt, M. N., & Green, J. A. (2022). *The Oxford Guide to International Humanitarian Law*. Oxford University Press. p.176.

قبال حفاظت از محیط زیست در زمان جنگ ایجاد کرده است و ضرورت تحلیل جامع و تطبیقی اسناد مرتبط را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

۲. اسناد بین‌المللی مرتبط با حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه (تعهدات اولیه)

حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه طی نیم‌قرن گذشته، به تدریج جایگاه ویژه‌ای در حقوق بین‌الملل یافته است. اسناد متعددی در این حوزه تصویب شده یا مورد تفسیر قرار گرفته‌اند که هر یک در قالب‌های متفاوت، دولت‌ها را ملزم به رعایت استانداردهایی در حفظ محیط زیست حتی در شرایط جنگ می‌کنند. در ادامه، مهم‌ترین اسناد بین‌المللی مرتبط با این موضوع با رویکردی تحلیلی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۲. کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ و اساسنامه رم ۱۹۹۸

کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو به طور مستقیم به موضوع محیط زیست نمی‌پردازند، اما اصول کلی حمایت از اشخاص غیرنظامی و اموال غیرنظامی (از جمله محیط زیست) را به عنوان یکی از اهداف کلیدی خود مورد توجه قرار داده‌اند. نقطه عطف اصلی، پروتکل اول الحاقی (۱۹۷۷) به کنوانسیون‌های ژنو است که در دو ماده مهم به صراحت به حمایت از محیط زیست اشاره دارد؛ این سند دولت‌ها را ملزم می‌کند که در انتخاب وسایل و روش‌های جنگ، از به کارگیری ابزارهایی که باعث آسیب گسترده، بلندمدت و شدید به محیط زیست طبیعی می‌شود خودداری نمایند (ماده ۳۵(۳)). همچنین تأکید می‌کند که حفاظت ویژه‌ای باید از محیط زیست طبیعی به عمل آید و حملاتی که موجب چنین آسیبی شود ممنوع است (ماده ۵۵).^۷ شایان توجه است که تفسیر مفهوم «آسیب گسترده، بلندمدت و شدید» در رویه‌های حقوقی و دکترین همواره مورد بحث بوده است. به عنوان مثال، «گسترده» به معنای تأثیر فراگیر در سطح بزرگ جغرافیایی، «بلندمدت» به معنای تداوم آثار برای ماه‌ها یا سال‌ها و «شدید» به معنای آسیب جدی به سلامت انسان یا طبیعت در نظر گرفته می‌شود.^۸

اساسنامه رم، برای نخستین بار در حقوق کیفری بین‌الملل، ارتکاب جرایم علیه محیط زیست را ذیل جنایات جنگی^۹ قرار داد. ماده ۸ این اساسنامه مقرر می‌دارد که «وارد آوردن عمدی آسیب گسترده، بلندمدت و شدید به محیط زیست طبیعی که به طور آشکار مفرط نسبت به مزیت نظامی پیش‌بینی شده باشد» جنایت جنگی محسوب می‌شود.^{۱۰} در عمل، اثبات همزمان سه شرط «گسترده‌گی، بلندمدت بودن و شدت» در کنار اصل تناسب، اجرای عملی این ماده را دشوار ساخته است. با این وجود، همین تصریح، گامی مهم در جهت مسئولیت‌پذیری کیفری افراد و دولت‌ها برای جرایم زیست‌محیطی ناشی از مخاصمات مسلحانه بوده است.

۲-۲. کنوانسیون ممنوعیت کاربرد نظامی یا هر گونه کاربرد خصمانه از تکنیک‌های دستکاری محیط زیست ۱۹۷۶

7- Fleck, D. Op. cit. p.366.

8- Sands, P., Peel, J., Fabra, A., & MacKenzie, R. (2018). Principles of International Environmental Law. fourth Ed. Cambridge University Press. p.771.

۹- وقتی که اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در حال تدوین بود دو کشور سوئیس و نیوزلند پیشنهاد کردند که دول مذاکره کننده خسارات وارده به محیط زیست و آلودگی را به عنوان یک جنایت مستقل محسوب نمایند. معهدا این خواسته پذیرفته نشد و آسیب وارده به محیط زیست به عنوان یک جنایت در زیر مجموعه جنایات جنگی احتساب شد. رج کنید به: دیهیم، علیرضا. (۱۳۸۰). درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول. ص ۴۱۰.

10- Schabas, W. A. (2016). An Introduction to the International Criminal Court. Fifth Ed. Cambridge University Press. p.226.

کنوانسیون ممنوعیت کاربرد نظامی یا هر گونه کاربرد خصمانه از تکنیک‌های دستکاری محیط زیست^{۱۱} که در سال ۱۹۷۶ در ژنو به تصویب رسید و از ۱۹۷۸ لازم‌الاجرا گردید، یکی از اسناد شاخص بین‌المللی در زمینه حمایت از محیط زیست در زمان مخاصمات مسلحانه است. هدف اصلی این کنوانسیون، ممنوع ساختن استفاده نظامی یا هرگونه استفاده خصمانه از تکنیک‌های تغییر عمدی محیط زیست با آثار گسترده، بلندمدت یا شدید به عنوان وسیله تخریب یا آسیب به کشورها یا جمعیت غیرنظامی است. ماده ۲ کنوانسیون، اصطلاح «تکنیک‌های تغییر محیط زیست» را به صورت «هرگونه روش عمدی برای تغییر - از طریق تاثیر بر پویایی طبیعی زمین، از جمله بیوسفر، لیتوسفر، هیدروسفر و اتمسفر، یا فضا» تعریف می‌کند. این تکنیک‌ها می‌توانند شامل تغییرات در وضعیت آب و هوا (مانند باروری ابرها برای باران مصنوعی یا خشکسالی)، زلزله مصنوعی، ایجاد سیل یا طوفان، تغییر دمای هوا یا حتی ایجاد امواج تسونامی باشند.^{۱۲} سه معیار اصلی برای ممنوعیت استفاده از این تکنیک‌ها در ماده ۱ آمده است:

- «گسترده» به معنای منطقه جغرافیایی وسیع یا گستره جمعیتی زیاد؛
- «بلندمدت» به معنای تأثیراتی که ماه‌ها یا سال‌ها به طول انجامد؛
- «شدید» به معنای آسیب چشمگیر به سلامت انسان یا منابع اقتصادی-زیستی.

در «تفاهم‌نامه تفسیری»^{۱۳} که ضمیمه کنوانسیون است، آمده که «گسترده» به منطقه‌ای بیش از ۱۰۰ کیلومتر مربع، «بلندمدت» به بیش از چند ماه و «شدید» به تغییرات جدی و قابل مشاهده در زندگی انسان یا طبیعت تعبیر می‌شود.^{۱۴} یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های کنوانسیون این است که صرفاً به دوران مخاصمات مسلحانه محدود نمی‌شود، بلکه شامل هرگونه اقدام خصمانه، حتی در شرایط غیرجنگی نیز هست. این ویژگی آن را نسبت به سایر اسناد مشابه متمایز می‌کند. از طرف دیگر، این کنوانسیون نخستین بار دستکاری عمدی محیط زیست را به عنوان یک تهدید جهانی مورد شناسایی و ممنوعیت قرار داده است؛ اما نقاط ضعف مهمی نیز بر آن وارد است. نخست، معیارهای مذکور (گسترده، بلندمدت، شدید) بسیار مضیق و با آستانه بالا تفسیر می‌شوند، به گونه‌ای که بسیاری از اقدامات نظامی متعارف که به محیط زیست آسیب می‌رسانند، مشمول ممنوعیت این سند نمی‌شوند. دوم، دامنه شمول آن عمدتاً اقدامات عمدی را هدف قرار می‌دهد، در حالی که بسیاری از تخریب‌های زیست‌محیطی در جنگ، غیرعمدی یا ثانویه‌اند. ماده ۵ کنوانسیون سازوکاری برای مشورت میان دولت‌های عضو و نیز گزارش‌دهی به شورای امنیت سازمان ملل پیش‌بینی می‌کند. با این حال، نبود مکانیسم تحقیق و پیگیری مؤثر و عدم تعیین ضمانت اجرای کیفری یا مدنی، یکی از ضعف‌های اصلی این کنوانسیون محسوب می‌شود.

این کنوانسیون اگرچه آغازگر روند جرم‌انگاری تغییرات عمدی زیست‌محیطی است، اما اجرا و تاثیر عملی آن محدود بوده است؛ به‌ویژه که تعداد طرف‌های متعاقد هنوز به سطح جهانی نرسیده و بسیاری از کشورهای تأثیرگذار یا به آن نپیوسته‌اند یا اجرای کامل آن را تضمین نکرده‌اند.^{۱۵} افزون بر این، پیشرفت‌های علمی و ظهور تکنیک‌های نوین همچون

11- Convention on the Prohibition of Military or Any Other Hostile Use of Environmental Modification Techniques (ENMOD)

12- Birnie et al., Op. cit. p.429.

13- Understandings Regarding the Convention

14- Sands et al., Op. cit. p.779.

15- Pratt, K. (2023). The ILC Principles on Protection of the Environment in Armed Conflict: Progress and Prospects. *International & Comparative Law Quarterly*, 72(1). p.151.

ژئوانجینیرینگ^{۱۶}، چالش‌های جدیدی پیش روی این سند ایجاد کرده است. در مجموع، این سند با همه محدودیت‌ها و نارسایی‌ها، نقطه عطفی در شناسایی و ممنوعیت استفاده نظامی از تغییر عمدی محیط زیست در عرصه بین‌الملل بوده و همچنان الهام‌بخش توسعه قواعد و اسناد جدید در این حوزه است.

۳-۲. پیش‌نویس اصول حمایت از محیط زیست در ارتباط با مخاصمات مسلحانه ۲۰۲۲

پیش‌نویس اصول حمایت از محیط زیست در ارتباط با مخاصمات مسلحانه که در سال ۲۰۲۲ توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد به تصویب رسید، نقطه عطفی در فرآیند هنجارسازی حفاظت زیست‌محیطی در بستر مخاصمات محسوب می‌شود. این اصول بر پایه ترکیبی از تجربیات عملی جنگ‌های مدرن، خلأهای حقوقی شناسایی شده در پرونده‌های دیوان بین‌المللی دادگستری و تحول رویکرد جامعه جهانی نسبت به ضرورت پیوند دو حوزه حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌الملل محیط زیست شکل گرفته است. نکته تمایز این سند نسبت به اسناد پیشین، جامع‌نگری آن است؛ به نحوی که علاوه بر دوران مخاصمه، الزامات پیشگیرانه پیش از جنگ و مسئولیت‌های دولت‌ها و بازیگران ذی‌ربط در دوران پس از پایان درگیری را نیز در بر می‌گیرد و با استناد به عرف بین‌المللی، تلاش می‌کند شکاف‌های هنجاری و اجرایی موجود را پوشش دهد.

در اصول ابتدایی این پیش‌نویس، بر لزوم شناسایی محیط زیست به مثابه بخشی از منافع بنیادین بشریت و وظیفه جمعی دولت‌ها در حفاظت مؤثر از آن تأکید شده است؛ مفهومی که در روند تکاملی حقوق بین‌الملل به‌ویژه پس از رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری درباره سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۹۶) اهمیت روزافزونی یافته است.^{۱۷} مهم‌ترین نوآوری این اصول، تأکید بر اصل احتیاط و التزام دولت‌ها به ملاحظات زیست‌محیطی حتی در صورت عدم قطعیت علمی درباره پیامدهای مخاصمه است؛ نکته‌ای که عملاً بار اثبات و استاندارد مراقبت را نسبت به نسل‌های پیشین قواعد عرفی ارتقاء می‌دهد.^{۱۸} این سند با کنار گذاشتن معیارهای مضیق اسناد سنتی، دامنه حمایت را از صرف ممنوعیت وارد ساختن آسیب گسترده، شدید و بلندمدت فراتر برده و اصل تعهد به پرهیز از هرگونه آسیب غیرضروری و کاهش پیامدهای ناخواسته را در مرکز توجه قرار داده است؛ به‌ویژه در مورد مخاصمات غیردولتی که پیش‌تر غالباً در حاشیه اسناد بین‌المللی قرار داشتند.

همچنین، اصول ناظر بر شفافیت، همکاری بین‌المللی و مسئولیت دولت‌ها و بازیگران غیردولتی پس از مخاصمه، بخش مهمی از این پیش‌نویس را تشکیل می‌دهد. برای نمونه، پیش‌بینی تعهد به جبران خسارات زیست‌محیطی، بازیابی و احیای اکوسیستم‌ها و تسهیل دسترسی به داده‌ها و آموزش‌های مرتبط، از مهم‌ترین وجوه مترقی سند است؛ اما نکته اساسی در نقد تحلیلی این پیش‌نویس، فقدان ضمانت اجرای قوی و اتکا به فرایند تدریجی عرف‌پذیری است؛ به‌گونه‌ای که حتی با تصویب سند، اجرای عملی آن در شرایط مخاصمه شدیداً وابسته به اراده سیاسی دولت‌ها و کارآمدی نهادهای نظارتی بین‌المللی خواهد بود.

۱۶- ژئوانجینیرینگ (Geoengineering) به مجموعه‌ای از فناوری‌ها و راهکارهای مداخله‌گرانه و عمدی گفته می‌شود که با هدف تغییر و مدیریت مقیاس‌پذیر و گسترده سامانه‌های طبیعی کره زمین، به‌ویژه برای مقابله با تغییرات اقلیمی یا اثرات آن، طراحی می‌شوند. رج کنید به:

Keith, D. W. (2000). Geoengineering the climate: History and prospect. *Annual Review of Energy and the Environment*, 25, 245-284.

17- Bodansky, D. (2010). *The Art and Craft of International Environmental Law*. Harvard University Press, p. 618.

18- Nollkaemper, A. (2022). Environmental Protection in Armed Conflict: The ILC's Draft Principles as a Vehicle for Innovation and Reform. *International Review of the Red Cross*, 104(919). p.75.

با این وجود، اجماع میان دولت‌ها و کارشناسان حقوق بین‌الملل بر سر اصول بنیادین مطرح شده در پیش‌نویس را می‌توان زمینه‌ساز یک تحول بنیادین و شتاب‌دهنده هنجارسازی حمایت زیست‌محیطی در سطح جهانی دانست؛ به‌ویژه آنکه این سند در رويه‌های دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان کیفری بین‌المللی و محاکم داخلی کشورهای پیشرو در حال استناد و استفاده است.^{۱۹} این تحول، گویای عبور حقوق بین‌الملل از تلقی محیط زیست به مثابه کالای جانبی مخاصمات و ورود به مرحله شناسایی آن به عنوان ارزش بنیادین جامعه جهانی است که ضرورت دارد، حتی در شرایط اضطراری، مورد احترام و حمایت باشد.

۴-۲. راهنمای حفاظت از محیط زیست طبیعی در مخاصمات مسلحانه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ۲۰۲۰

راهنمای کمیته بین‌المللی صلیب سرخ درباره حفاظت از محیط زیست طبیعی در مخاصمات مسلحانه که نخستین بار در ۱۹۹۴ منتشر و در سال ۲۰۲۰ بازنگری شد، یکی از جامع‌ترین و کاربردی‌ترین منابع در تبیین تعهدات حقوقی، عرفی و عملی دولت‌ها و نیروهای مسلح نسبت به محیط زیست در بستر جنگ است.^{۲۰} این راهنما، ضمن بهره‌گیری از آموزه‌های سنتی حقوق بشردوستانه و اسناد جدید بین‌المللی، تلاش می‌کند اصول، قواعد و اقدامات عملی لازم را برای کاهش آثار مخرب نظامی بر طبیعت با زبانی روشن و عملیاتی ارائه کند. راهنمای ۲۰۲۰ ساختاری سه مرحله‌ای دارد و قواعد را برای زمان‌های "پیش از مخاصمه"، "در جریان مخاصمه" و "پس از مخاصمه" تدوین می‌کند؛ این تقسیم‌بندی سبب شده که سند هم در مدیریت پیشگیرانه و هم در واکنش و جبران خسارت‌ها مرجعیت پیدا کند.^{۲۱} از منظر مفهومی، کمیته تأکید می‌کند که محیط زیست نه تنها میراث بشریت، بلکه یکی از قربانیان خاموش جنگ است و آسیب به آن اغلب پیامدهای میان‌نسلی، فرامرزی و غیرقابل پیش‌بینی دارد.^{۲۲} در بخش قواعد بنیادین، راهنما اصول کلاسیک حقوق مخاصمات مانند تمایز، تناسب و احتیاط را بر اساس جدیدترین تفسیرها بازخوانی می‌کند. بر اساس این قواعد، استفاده از ابزارها و روش‌هایی که به آسیب گسترده، شدید یا بلندمدت به محیط زیست منجر می‌شود، به طور صریح ممنوع است. نوآوری راهنمای ۲۰۲۰، شمول این قواعد نسبت به همه اشخاص درگیر - اعم از دولت، گروه‌های غیردولتی و حتی پیمانکاران خصوصی - و تأکید بر مسئولیت‌های مشترک است.^{۲۳}

از مهم‌ترین بخش‌های سند، قواعد مربوط به مناطق و منابع خاص زیست‌محیطی مانند جنگل‌های بارانی، تالاب‌ها، منابع آب، ذخایر ژنتیکی و گونه‌های در معرض تهدید است. راهنما تصریح می‌کند که این منابع باید به عنوان اهداف ممنوعه برای حملات نظامی تلقی شوند، مگر در شرایط استثنایی و با رعایت شدیدترین ملاحظات حفاظتی. همچنین، برای نخستین بار بر نقش «ارزیابی زیست‌محیطی» عملیات نظامی قبل از اجرا و نیز بر ثبت و گزارش کامل آسیب‌ها و انتشار اطلاعات زیست‌محیطی در زمان جنگ تأکید می‌شود.^{۲۴}

19- Boothby, W. H. (2022). Protection of the Environment during Armed Conflict: Progress and Remaining Gaps. *Journal of International Humanitarian Legal Studies*, 13(2). p.194.

۲۰- عسکری، پیشین، ص ۱۴۱.

21- Stephens, T. (2021). Protecting the Natural Environment in Armed Conflict: The ICRC's 2020 Guidelines. *International Review of the Red Cross*. 103(916-917). p.1237.

22- ICRC (International Committee of the Red Cross). (2020). Guidelines on the Protection of the Natural Environment in Armed Conflict. p.10.

23- Stephens, Op. cit., p.1240.

24- ICRC, Op. cit., pp.24, 35.

جنبه عملی راهنمای ۲۰۲۰ بسیار برجسته است؛ سند برای فرماندهان، سیاست‌گذاران و حتی گروه‌های بشردوستانه توصیه‌هایی نظیر آموزش تخصصی زیست‌محیطی نیروهای مسلح، همکاری اطلاعاتی، پیش‌بینی سازوکارهای جبران خسارت و بازسازی اکوسیستم‌ها، حفظ اسناد و نقشه‌های محیطی و شفافیت را الزامی می‌داند. به علاوه، به همکاری فرامرزی و نقش جامعه مدنی در نظارت بر اجرای تعهدات توجه ویژه شده است. از منظر حقوقی، راهنمای کمیته با تکیه بر تحلیل و تجمیع مقررات عرفی و معاهده‌ای، برای بسیاری از دادگاه‌ها و محاکم داوری بین‌المللی به‌عنوان منبع تفسیر قواعد مربوط به محیط زیست در مخاصمات شناخته می‌شود. این سند ضمن تأکید بر تقدم حفاظت از محیط زیست بر ضرورت‌های نظامی، به چالش‌های نوظهور مانند جنگ‌های سایبری و تسلیحات نوین نیز اشاره دارد و بر لزوم بازنگری مستمر قواعد در مواجهه با تحولات فناوری تأکید می‌کند.

با وجود نوآوری‌ها، برخی نقدهای آکادمیک به راهنمای کمیته وارد شده است؛ به‌ویژه به ضعف سازوکارهای الزام‌آور، دشواری اثبات رابطه علت و معلولی بین عملیات نظامی و آسیب زیست‌محیطی و چالش‌های اجرایی در مخاصمات داخلی.^{۲۵} با این حال، این راهنما را باید گامی تعیین‌کننده در تبیین استانداردهای عملی و تطبیق حقوق بشردوستانه با واقعیت‌های زیست‌محیطی معاصر دانست که همزمان به دولت‌ها، گروه‌های غیردولتی و حتی جامعه مدنی مسئولیت می‌دهد تا در همه مراحل جنگ و پس از آن، محیط زیست را به‌عنوان سرمایه‌ای جهانی پاس بدارند.

۲-۵. قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل

گرچه قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های سازمان ملل متحد از منظر حقوقی الزام‌آور نیستند، اما نقش بی‌بدیلی در تحول تدریجی هنجارهای بین‌الملل، اجماع‌سازی و هدایت افکار عمومی دولت‌ها و بازیگران بین‌المللی ایفا می‌کنند. از اواخر قرن بیستم و هم‌زمان با شتاب گرفتن موج نگرانی‌های زیست‌محیطی جهانی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد و سایر نهادهای وابسته بارها و به صورت نظام‌مند بر لزوم رعایت ملاحظات زیست‌محیطی حتی در زمان جنگ و مخاصمات مسلحانه تأکید کرده‌اند. نخستین موج هنجارسازی را می‌توان در قطعنامه ۳۷/۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۹۲) مشاهده کرد؛ قطعنامه‌ای که با صراحت دولت‌ها را ملزم به احترام به قواعد حقوق بشردوستانه و جلوگیری از آسیب‌های عمدی یا غیرضروری به محیط زیست در جریان مخاصمات می‌کند و در عین حال، ایجاد مکانیزم‌های همکاری بین‌المللی برای بازسازی و جبران خسارت را نیز به رسمیت می‌شناسد.^{۲۶}

اهمیت چنین قطعنامه‌هایی نه تنها در تکرار اصول حقوق بشردوستانه، بلکه در انعکاس دغدغه‌ها و ضرورت‌های روزآمد جامعه جهانی است؛ به ویژه آنکه این اسناد بر شناسایی محیط زیست به عنوان منافع مشترک بشری و مسئولیت دسته‌جمعی دولت‌ها تأکید می‌کنند. به عنوان نمونه، قطعنامه ۴/۵۶ مجمع عمومی (۲۰۰۱) بر لزوم توجه به هنجارهای زیست‌محیطی در روند تدوین و اجرای معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات، نقش محوری برای دولت‌ها قائل می‌شود و ضرورت توسعه همکاری‌های فنی و اطلاعاتی را خاطر نشان می‌سازد.^{۲۷}

از منظری تحلیلی، تأثیرگذاری این اسناد را باید در چند محور بررسی کرد: نخست، شکل‌دهی به هنجارهای نرم (soft law) اگرچه الزام‌آور نیستند، اما می‌توانند زمینه‌ساز عرف بین‌المللی و حتی منبع تفسیر در آرای دیوان بین‌المللی

25- Stephens, Op. cit., p.1254.

26- UNGA (United Nations General Assembly). (1992). Resolution 47/37: Protection of the Environment in Times of Armed Conflict, p. 2.

27- UNGA (United Nations General Assembly). (2001). Resolution 56/4: Observance of Environmental Norms in the Drafting and Implementation of Agreements on Disarmament and Arms Control, p. 3.

دادگستری باشند. دوم، این قطعنامه‌ها به عنوان ابزار دیپلماتیک فشار، دولتها را وادار می‌کنند تا در سیاست‌گذاری‌های نظامی و زیست‌محیطی خود بازنگری کنند یا دست‌کم به پاسخگویی افکار عمومی جهانی تن دهند. سوم، در سطح نهادی، بسیاری از برنامه‌های اجرایی، پروژه‌های بازسازی پس از جنگ و حتی شکل‌گیری کارگروه‌های تخصصی برای مستندسازی و ارزیابی خسارات زیست‌محیطی متأثر از مفاد و توصیه‌های همین اسناد بوده است.

هرچند چالش‌هایی مانند فقدان ضمانت اجرایی قوی و گاه تفسیرهای سیاسی از مفاد این قطعنامه‌ها وجود دارد، اما مرور روند تکاملی قطعنامه‌های سازمان ملل متحد به روشنی نشان می‌دهد که محوریت محیط زیست به‌عنوان ارزش جهانی در گفتمان حقوق بین‌الملل روزبه‌روز پررنگ‌تر شده است. همچنین، تأکید مکرر این قطعنامه‌ها بر همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، شفافیت، آموزش و مشارکت جامعه مدنی، نقش کلیدی در پویایی هنجاری حقوق زیست‌محیطی در مخاصمات دارد.^{۲۸} در نهایت، این اسناد با وجود همه ضعف‌ها، بستر لازم برای ورود موضوعات زیست‌محیطی به دستور کار شورای امنیت و نهادهای تخصصی سازمان ملل و نیز نهادینه‌سازی مسئولیت جمعی دولتها برای پیشگیری و جبران خسارات زیست‌محیطی ناشی از مخاصمات را فراهم ساخته‌اند.

۶-۲. اصول راهنمای سان رمو ۱۹۹۴

راهنمای سان‌رمو درباره حقوق بین‌الملل قابل اعمال بر مخاصمات مسلحانه دریایی یکی از مراجع شاخص در تبیین اصول و قواعد حقوق بشردوستانه دریایی است که با هدف تلفیق و تفسیر قواعد عرفی و قراردادی مرتبط با مخاصمات مسلحانه دریاها تدوین شد. اهمیت این راهنما در آن است که علاوه بر پرداختن به قواعد کلاسیک جنگ دریایی، به طور مستقل و نظام‌مند به موضوع حفاظت از محیط زیست در بستر مخاصمات نیز پرداخته و قواعدی فراتر از الزامات صرفاً نظامی را برای طرف‌های درگیر مقرر می‌کند.^{۲۹}

بر اساس مواد ۴۴ تا ۴۷ این راهنما، اصل اساسی آن است که طرف‌های مخاصمه موظف‌اند تا حد امکان از وارد آوردن آسیب عمدی یا غیرضروری به محیط زیست دریایی خودداری کنند. ماده ۴۴ تأکید می‌کند که در تمامی عملیات نظامی باید روش‌ها و وسایلی انتخاب شود که کمترین آسیب را به محیط زیست وارد سازد و حتی در مواردی که حمله به اهداف نظامی ضروری است، باید تدابیر احتیاطی ویژه اتخاذ شود. ماده ۴۵ حمله به کشتی‌ها یا تأسیسات حاوی مواد شیمیایی یا نفتی را صرفاً در شرایطی مجاز می‌داند که مزیت نظامی آن به‌وضوح بر خسارت زیست‌محیطی چربیده و کلیه اقدامات پیشگیرانه لازم برای کنترل و مهار پیامدهای زیست‌محیطی انجام شده باشد. افزون بر این، در ماده ۴۷ مسئولیت مستقیم دولتها درگیر برای جبران خسارت‌ها و احیای محیط زیست مورد تأکید قرار گرفته است.^{۳۰}

نکته برجسته در تحلیل راهنمای سان‌رمو، تلفیق سه اصل بنیادین حقوق بشردوستانه (تمایز، تناسب و احتیاط) با معیارهای تخصصی محیط زیست دریایی است. این راهنما صراحتاً اصل تمایز را به نحوی توسعه می‌دهد که کشتی‌ها و تأسیسات غیرنظامی، منابع شیلاتی، مناطق حساس زیست‌محیطی (نظیر صخره‌های مرجانی و اکوسیستم‌های آسیب‌پذیر دریایی) و حتی پناه‌گاه‌های موقت جانوری را مشمول حمایت قرار می‌دهد؛ از منظر اصل تناسب، سان‌رمو تأکید می‌کند که هرگونه حمله‌ای که تبعات زیست‌محیطی آن نامتناسب با مزیت نظامی پیش‌بینی شده باشد، ممنوع است و تفسیر مزیت نظامی باید

28- UNGA (United Nations General Assembly). (2016). Resolution 71/257: Observance of International Law, p. 1.

29- Doswald-Beck, L. (Ed.). (1995). San Remo Manual on International Law Applicable to Armed Conflicts at Sea. Cambridge University Press, p.13.

30- San Remo Manual on International Law Applicable to Armed Conflicts at Sea, 12 June 1994.

با ملاحظه پیامدهای بلندمدت و فرامرزی زیست محیطی انجام شود. از لحاظ حقوقی، اگرچه راهنمای سان‌رمو یک سند الزام‌آور تلقی نمی‌شود، اما به عنوان «soft law» در بسیاری از آموزش‌های نظامی، دستورالعمل‌های ملی و آرای دیوان‌های بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری و دادگاه بین‌المللی حقوق دریایا به عنوان مرجع تفسیر و منبع عرفی مورد استناد واقع شده است.^{۳۱} این جایگاه به‌ویژه در شرایطی که قواعد قراردادی حقوق دریایی نسبت به وضعیت‌های خاص مخاصمات سکوت دارد یا تفسیر موسع لازم است، اهمیت مضاعف می‌یابد. در مجموع، اصول راهنمای سان‌رمو علاوه بر تقویت بعد محیط‌زیستی حقوق مخاصمات دریایی، راهکاری عمل‌گرا برای تفسیر و اجرای هنجارهای زیست محیطی در شرایط جنگ فراهم کرده است. همین امر سبب شده که بسیاری از کشورها، حتی فراتر از تعهدات قراردادی خود، این راهنما را مبنای تدوین دکترین و آموزش نظامیان دریایی قرار دهند و در مأموریت‌های بین‌المللی به الزامات محیط‌زیستی آن توجه ویژه نشان دهند.

۳. حفاظت از محیط زیست از منظر اصول حقوق بشردوستانه^{۳۲} (تعهدات اولیه)

۳-۱. اصل تمایز

اصل تمایز رکن اساسی حقوق بشردوستانه است که بر جدایی میان اهداف نظامی و غیرنظامی تأکید دارد و همه طرف‌های مخاصمه را ملزم می‌کند همواره بین اشخاص/اموال غیرنظامی و اهداف نظامی تمایز قائل شوند. این اصل در ماده ۴۸ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۷۷) صراحتاً ذکر شده است: «به منظور تضمین احترام و حمایت از جمعیت غیرنظامی و اموال غیرنظامی، طرف‌های درگیر باید همواره میان جمعیت غیرنظامی و رزمندگان و همچنین میان اموال غیرنظامی و اهداف نظامی تمایز قائل شوند. ماده ۵۲ نیز تأکید می‌کند که حمله به اموال غیرنظامی، از جمله منابع و زیرساخت‌های زیست محیطی، ممنوع است. در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده «سلاح‌های هسته‌ای» (۱۹۹۶)، دیوان تصریح کرد که اصل تمایز در همه ابعاد مخاصمه، از جمله تأثیر بر محیط زیست، لازم‌الرعایه است و دولت‌ها باید از هرگونه حمله غیرتمایز که باعث آسیب شدید به محیط زیست غیرنظامی می‌شود خودداری کنند.^{۳۳} همچنین در بررسی‌های دیوان کیفری بین‌المللی، اصل تمایز همواره در تعیین مسئولیت کیفری برای حمله به زیرساخت‌های زیست محیطی غیرنظامی مطرح بوده است.^{۳۴}

۳-۲. اصل تناسب

اصل تناسب ایجاب می‌کند هرگونه حمله نظامی میان مزیت نظامی مورد انتظار و آسیب جانبی به غیرنظامیان و اموال غیرنظامی (از جمله محیط زیست) توازن معقول و قابل دفاع داشته باشد. این اصل در ماده ۵۱(ب) و ماده ۵۷ پروتکل اول الحاقی آمده است؛ به موجب این مواد، حملاتی که پیش‌بینی می‌شود باعث تلفات یا آسیب جانبی بیش از مزیت

31- Guilfoyle, D. (2022). The San Remo Manual on International Law Applicable to Armed Conflict at Sea: 25 Years On. *International Review of the Red Cross*, 104(919). p.412.

۳۲- شرط مارتنز از جمله مواردی است که نسبت به اعمال آن در حمایت از محیط زیست، دفاعیاتی صورت گرفته است. اندیشمندان عمدتاً بر این نظر هستند که دلیلی ندارد که حمایت از محیط زیست از ذیل شمول شرط مارتنز و اصول زیر مجموعه آن خارج دانسته شود. شرط مارتنز به این معنی است که در وضعیت‌هایی که نسبت به آنها حقوق موضوعه نوشته وجود ندارد و تا زمانی که وضعیتی ذیل حقوق معاهده‌ای فی مابین نمی‌گنجد، رزمندگان حق اقدام خودسرانه نداشته و بایستی به اصول انسانیت بر مبنای وجدان جمعی پایبند مانده و غیرنظامیان تحت حمایت عام حقوق بین‌الملل خواهند بود. رج کنید به: حسینی آزاد، سیدعلی. (۱۴۰۲). حقوق بین‌الملل محیط زیست دریایی. انتشارات گنج دانش. ص ۳۵۰.

33- ICJ (1996). *Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion*, p. 242.

34- Schmitt, M. N., & Green, J. A. (2022). *The Oxford Guide to International Humanitarian Law*. Oxford University Press, p. 182.

نظامی به دست آمده شوند، ممنوع است. در قضیه «دادستان علیه ژرمان کاتانگا» در دیوان کیفری بین‌المللی، ارزیابی تناسب حمله با توجه به پیامدهای زیست‌محیطی مورد بحث قرار گرفت و دادگاه تأکید کرد که آثار حمله بر منابع زیستی غیرنظامیان نیز باید در تحلیل تناسب لحاظ شود.^{۳۵} همچنین در اسناد راهنمای کمیته صلیب سرخ، تفسیر اصل تناسب در محیط زیست با تأکید بر ارزیابی دقیق آسیب‌های غیرمستقیم (مانند آلودگی منابع آب یا تخریب جنگل‌ها) توسعه یافته است.^{۳۶}

۳-۳. اصل ضرورت نظامی

اصل ضرورت نظامی فقط در حدی اجازه کاربرد خشونت را می‌دهد که برای دستیابی به یک مزیت نظامی قطعی ضرورت دارد. این اصل از جمله در ماده ۲۳ کنوانسیون لاهه (۱۹۰۷) و ماده ۵۵ پروتکل اول الحاقی بازتاب یافته و هرگونه تخریب عمدی محیط زیست که فاقد ضرورت نظامی باشد را ممنوع می‌داند. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «کانال کورفو» اعلام کرد که دولت‌ها باید از اقداماتی که بیش از نیاز نظامی ضرورت دارند و باعث آسیب به محیط زیست می‌شود، خودداری کنند.^{۳۷} همچنین در ارزیابی‌های کمیته غرامت سازمان ملل در مورد جنگ خلیج فارس، اعمالی مانند آتش‌زدن چاه‌های نفت عراق فاقد توجیه ضرورت نظامی و مصداق تخلف از این اصل تلقی شد.^{۳۸}

۳-۴. اصل منع استفاده از ابزار و روش‌های جنگی که به طور گسترده و طولانی مدت محیط زیست را تخریب می‌کند

این اصل که در مواد ۳۵ (۳) و ۵۵ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو به صورت خاص تدوین شده، استفاده از وسایل و روش‌های جنگی که آسیب «گسترده، شدید و بلندمدت» به محیط زیست وارد می‌کند را صراحتاً ممنوع می‌کند. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی «سلاح‌های هسته‌ای» (۱۹۹۶) تأکید کرد که هرگونه استفاده از سلاح‌هایی که چنین آسیبی ایجاد کند، با تعهدات بین‌المللی دولت‌ها ناسازگار است. معیارهای سه‌گانه «گسترده، شدید و بلندمدت» در اسناد تفسیری و رویه دیوان‌های بین‌المللی بارها تحلیل شده است؛ به طور مثال، آلودگی عمده نفتی و تخریب وسیع پوشش گیاهی در کویت در ۱۹۹۱ مصداق این ممنوعیت دانسته شد و عراق مکلف به جبران شد.^{۳۹}

۳-۵. اصل احتیاط و اقدامات پیشگیرانه

اصل احتیاط منشأ خود را هم در حقوق بشردوستانه (ماده ۵۷ پروتکل اول الحاقی) و هم در حقوق بین‌الملل محیط زیست دارد و طرف‌های مداخله را ملزم می‌کند همه تدابیر عملی لازم برای پیشگیری و به حداقل رساندن آسیب به غیرنظامیان و محیط زیست را اتخاذ کنند؛ دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی ۲۰۱۰ خود در پرونده «کارخانه‌های خمیر کاغذ بر روی رودخانه اروگوئه» (آرژانتین علیه اروگوئه) لزوم ارزیابی تأثیر زیست‌محیطی و احتیاط ویژه در پروژه‌های دارای ریسک بالا را تصریح نمود.^{۴۰} نمونه عملی این اصل را می‌توان در راهنمای ۲۰۲۰ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تصریح شده است که فرماندهان و نیروهای مسلح موظف‌اند پیش از هر عملیات نظامی، ارزیابی دقیق اثرات زیست‌محیطی آن عملیات را انجام دهند و تدابیر لازم را برای پیشگیری یا کاهش آسیب به محیط زیست، از جمله منابع

35- Schabas, Op. cit., p.232.

36- ICRC, Op. cit., p.36.

37- ICJ (International Court of Justice). (1949). Corfu Channel Case (United Kingdom v. Albania), p. 22.

38- UNCC (United Nations Compensation Commission). (2005). Report and Recommendations Made by the Panel of Commissioners Concerning the First Instalment of "F4" Claims, p.23.

39- Boothby, Op. cit., p.371.

40- ICJ (2010). Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, p. 83.

آب و انرژی، اتخاذ کنند.^{۴۱} این سند توصیه می‌کند که هرگونه عملیات نظامی با رعایت اصل احتیاط و بر مبنای اطلاعات زیست‌محیطی کافی صورت گیرد تا خسارات ناخواسته به اکوسیستم‌ها و زیرساخت‌های حیاتی به حداقل برسد.

۳-۶. اصل جبران خسارت و مسئولیت

اصل جبران خسارت و مسئولیت بر این تأکید دارد که هرگونه آسیب غیرقانونی به محیط زیست باید توسط دولت یا عامل مسئول جبران شود. ماده ۳ کنوانسیون لاهه (۱۹۰۷) و اصول عرفی حقوق بین‌الملل، دولت متخلف را ملزم به بازسازی یا پرداخت غرامت می‌کند. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی پرونده «کانال کورفو» برای نخستین بار مسئولیت دولت‌ها در پیشگیری و جبران خسارات زیست‌محیطی را تأیید کرد. همچنین در جنگ خلیج فارس، کمیته غرامت سازمان ملل بیش از پنج میلیارد دلار خسارت زیست‌محیطی به کشورهای آسیب‌دیده اختصاص داد. در رویه دیوان کیفری بین‌المللی نیز ماده ۸ اساسنامه رم، جبران خسارت به قربانیان و بازسازی محیط زیست را از جمله پیامدهای کیفری جنایات جنگی مرتبط با محیط زیست دانسته است.^{۴۲}

۴. مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه (تعهدات ثانویه)

در نظام حقوق بین‌الملل معاصر، تعهدات دولت‌ها نسبت به حمایت از محیط زیست در زمان مخاصمات مسلحانه، واجد ماهیت مضاعف است؛ از یک سو به عنوان تعهد اولیه^{۴۳} که بر اساس کنوانسیون‌های ژنو، پروتکل‌های الحاقی، کنوانسیون ENMOD و اصول عرفی حقوق بشردوستانه شناسایی شده و از سوی دیگر، به محض نقض این تعهد، تعهد ثانویه^{۴۴} یا همان مسئولیت بین‌المللی دولت فعال می‌شود. پیش‌نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱) چارچوب حقوقی و رویه‌ای روشن و جامعی را برای این وضعیت مقرر داشته است. مطابق ماده ۱ پیش‌نویس ۲۰۰۱، هر فعل یا ترک فعل متخلفانه‌ی منتسب به دولت که ناقض یک تعهد بین‌المللی باشد، موجب مسئولیت بین‌المللی دولت متخلف خواهد بود. این قاعده عام در خصوص نقض تعهدات زیست‌محیطی در مخاصمات مسلحانه، اعم از تعهدات عرفی و معاهده‌ای، به‌طور کامل اجرا می‌شود. در ماده ۲ این سند، دو رکن در راستای تحقق مسئولیت تبیین شده: (۱) ارتکاب فعل یا ترک فعل متخلفانه (نقض تعهد)؛ (۲) انتساب فعل متخلفانه به دولت ناقض. تعهدات زیست‌محیطی دولت‌ها در جنگ ماهیتاً از نوع تعهد به نتیجه و نیز تعهد به رفتار معقول و پیشگیرانه هستند.^{۴۵} در شرایط نقض تعهدات زیست‌محیطی در جنگ، مانند استفاده عامدانه از سلاح‌های مخرب زیست‌محیطی، تخریب زیرساخت‌های آب و خاک، یا حمله به مناطق با ارزش اکولوژیک، مسئولیت دولت ناقض، صرف‌نظر از انگیزه، سوءنیت یا تقصیر یا حتی در مواردی بدون نیاز به اثبات تقصیر^{۴۶} برقرار می‌شود.^{۴۷} ماده ۳۱ پیش‌نویس تصریح می‌کند

41- ICRC (2020), Op. cit., p.35.

42- Schabas, Op. cit., p.237.

43- primary obligation

44- secondary obligation

45- ILC (International Law Commission). (2022). Draft Principles on Protection of the Environment in Relation to Armed Conflicts, Principle 3.

46- strict liability

47- Crawford, J. (2013). State Responsibility: The General Part. Cambridge University Press, pp. 81–84.

که دولت ناقض، ملزم به جبران کامل خسارات، بازگرداندن وضعیت به حالت سابق^{۴۸} و پرداخت غرامت مالی^{۴۹} است؛ در مواردی هم اقدامات ترمیمی و تضمین عدم تکرار ضروری می‌شود.

همانطور که پیشتر اشاره شد؛ نمونه عینی این مسئولیت را می‌توان در جنگ خلیج فارس مشاهده کرد، جایی که کمیته غرامت سازمان ملل عراق را بابت آسیب‌های سنگین زیست‌محیطی ناشی از آتش‌سوزی چاه‌های نفت، مجبور به پرداخت غرامت و اجرای پروژه‌های احیای محیط زیست نمود.

در زمینه جنگ روسیه و اوکراین، گزارش‌های متعدد از تخریب زیست‌محیطی وسیع - از جمله آلودگی منابع آبی، تخریب اکوسیستم‌های حساس، نابودی جنگل‌ها و انفجار سد کاخوفکا در ژوئن ۲۰۲۳ - منتشر شده است. دولت اوکراین با استناد به مواد ۱، ۲ و ۳۱ پیش‌نویس مزبور، روسیه را مسئول مطالبه جبران خسارت و احیای محیط زیست دانسته است.^{۵۰} همچنین، کمیسیون اروپا و سازمان‌های حقوق بشری بارها تصریح کرده‌اند که اقداماتی چون حمله به نیروگاه‌های اتمی یا سدها مصداق بارز نقض تعهدات بین‌المللی زیست‌محیطی و ایجاد مسئولیت ثانویه دولت است.^{۵۱}

در منازعه اسرائیل و فلسطین نیز، حمله به زیرساخت‌های آبی و فاضلاب، آتش‌سوزی گسترده در زمین‌های کشاورزی و آسیب به ذخایر ژنتیکی، به‌عنوان نقض تعهدات زیست‌محیطی رژیم اشغالگر اسرائیل و موجب مسئولیت بین‌المللی در مراجع صلاحیت‌دار مورد استناد قرار گرفته است.^{۵۲} دیوان بین‌المللی دادگستری در آرای مرتبط با قلمروهای اشغالی، همواره مسئولیت دولت متصرف را نسبت به حفاظت فعال محیط زیست سرزمین‌های تحت اشغال تأیید کرده است.^{۵۳}

نکته تحلیلی مهم آن است که مطابق مواد ۴۰ و ۴۱ پیش‌نویس، در موارد نقض فاحش تعهدات عام‌الشمول (مانند آسیب گسترده به محیط زیست)، سایر دولت‌ها نیز تعهد به عدم شناسایی وضعیت غیرقانونی، همکاری برای پایان دادن به نقض و حتی اعمال اقدامات مقابله‌ای مشروع دارند. به‌طور کلی، سازوکار مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه، بر اصول سه‌گانه جبران، ترمیم و تضمین عدم تکرار استوار است و دعای زیست‌محیطی در مخاصمات معاصر (اعم از اوکراین، فلسطین یا سایر نقاط بحران) به روشنی نشان می‌دهد که حقوق بین‌الملل نه تنها مسئولیت فردی، بلکه مسئولیت دولتی را با مبانی مستحکم و ابزارهای الزام‌آور پیش‌بینی نموده است.

در کنار مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، نظام حقوق بین‌الملل معاصر به‌طور فزاینده‌ای بر مسئولیت کیفری فردی اشخاص (اعم از فرماندهان نظامی، مقامات عالی‌رتبه و سایر افراد) در قبال نقض حمایت از محیط زیست در زمان مخاصمات مسلحانه تأکید می‌ورزد. این تحول از دادگاه نورمبرگ آغاز و با تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری و توسعه دکترین مسئولیت کیفری فردی برای جنایات جنگی، بیش از پیش نهادینه شد.

در محاکمات نورمبرگ پس از جنگ جهانی دوم، برای نخستین بار اصل مسئولیت کیفری فردی برای نقض فاحش حقوق جنگ (از جمله تخریب بی‌رویه و غیرضروری اموال و محیط زیست) رسمیت یافت. ماده ۶ اساسنامه دادگاه نورمبرگ تصریح می‌کرد که "جنایات علیه صلح و بشریت" و همچنین "جنایات جنگی" شامل تخریب بی‌دلیل شهرها

48- restitution

49- compensation

50- UNEP (2023). Ukraine: Environmental Impact of the Conflict, pp. 7–9.

51- European Parliament. (2023). Consequences of the Destruction of the Kakhovka Dam in Ukraine. p. 3.

52- UNEP (United Nations Environment Programme). (2021). Environmental Impact of the Recent Escalation in the Gaza Strip, pp. 21–25.

53- ICJ (International Court of Justice). (2004). Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, para. 133.

و روستاها و تخریب‌های غیر ضروری است.^{۵۴} در پرونده فرماندهان آلمانی، دادگاه نورمبرگ بر مسئولیت فرماندهان برای دستور یا اجرای تخریب‌های زیست‌محیطی فاقد توجه نظامی تأکید و مجازات‌هایی را اعمال کرد.^{۵۵}

گام بعدی در حقوق کیفری بین‌الملل، شناسایی صریح جرایم زیست‌محیطی به عنوان بخشی از جنایات جنگی در اساسنامه رم (۱۹۹۸) بود. ماده ۸ اساسنامه رم تصریح می‌کند که "ارتکاب عمدی عملیاتی که موجب آسیب گسترده، شدید و بلندمدت به محیط زیست طبیعی شود و مزیت نظامی ملموس و مستقیم را توجیه نکند" یک جنایت جنگی است و تعقیب فرد مرتکب در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری قرار دارد. این ماده صریح‌ترین مبنای حقوقی برای تعقیب کیفری افراد در قبال تخریب زیست‌محیطی در جنگ‌های مدرن محسوب می‌شود.

در تحلیل دکتترین و رویه قضایی، سه عنصر کلیدی برای تحقق مسئولیت کیفری افراد وجود دارد: الف) ارتکاب عمل مجرمانه^{۵۶} اعم از دستور، مباشرت یا مشارکت در تخریب‌های زیست‌محیطی؛ ب) وجود عنصر معنوی^{۵۷} اثبات علم یا قصد مرتکب؛ ج) رابطه علیت میان عمل فرد و نتیجه زیان‌بار برای محیط زیست.^{۵۸} دیوان‌های کیفری بین‌المللی در پرونده‌های یوگسلاوی و رواندا نیز تصریح کردند که فرماندهان نظامی و سایر مقامات نمی‌توانند با استناد به دستورات مافوق یا اوامر نظامی از مسئولیت کیفری در قبال جنایات زیست‌محیطی معاف شوند.^{۵۹}

در زمینه جنگ روسیه و اوکراین، دادستان دیوان کیفری بین‌المللی به طور علنی اعلام کرد که تخریب‌های عمدی محیط زیست، به‌ویژه حمله به سدها، نیروگاه‌ها و آلودگی وسیع اکوسیستم‌ها، تحت نظارت و تحقیق است و در صورت احراز عناصر جرم، تعقیب فرماندهان یا مقامات مسئول روسیه در دستور کار قرار خواهد گرفت.^{۶۰} همچنین گزارش‌های سازمان ملل درباره جنگ اسرائیل و فلسطین، تخریب زیرساخت‌های آبی و کشاورزی توسط مقامات یا نیروهای نظامی را در زمره موضوعات قابل تعقیب کیفری در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری قرار داده است.

با وجود پیشرفت‌های حقوقی، چالش‌هایی نظیر اثبات عناصر جرم، تفسیر معیارهای "گسترده، شدید و بلندمدت"، پیچیدگی جمع‌آوری ادله در مناطق مخاصمه و موانع سیاسی برای استرداد متهمان وجود دارد. با این حال، روندهای جاری نشان‌دهنده عزم جامعه بین‌المللی برای استفاده از ابزار کیفری جهت مقابله با تخریب عمدی و گسترده محیط زیست در جنگ‌هاست.

۵. چالش‌ها و خلأهای حقوقی موجود در حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه

با وجود پیشرفت‌های قابل توجه در هنجارسازی بین‌المللی و توسعه اسناد معاهده‌ای و عرفی در زمینه حمایت از محیط زیست در زمان مخاصمات مسلحانه، همچنان نظام حقوقی بین‌المللی با چالش‌ها و خلأهای جدی مواجه است که کارآمدی این حمایت را در عمل با محدودیت روبه‌رو می‌سازد.

54- Cassese, A. (2008). *International Criminal Law*. Second Ed. Oxford University Press, p.322.

55- Trial of the Major War Criminals before the International Military Tribunal, Nuremberg, 14 November 1945 – 1 October 1946, Vol. I, p. 254.

56- actus reus

57- mens rea

58- Cassese, Op. cit., p.343.

59- Ibid, p.355.

60- ICC OTP (Office of the Prosecutor, International Criminal Court). (2023). "Statement of the Prosecutor regarding the Situation in Ukraine."

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، ابهام در معیارهای سه‌گانه «گسترده، شدید و بلندمدت» است که در پروتکل اول الحاقی کنوانسیون ژنو (مواد ۳۵(۳) و ۵۵) و همچنین در اساسنامه رم آمده است. این واژگان فاقد تعریف دقیق و کمی هستند و همین ابهام، اجرای مؤثر قواعد و استناد قضایی را با مشکل روبه‌رو کرده است. دادگاه‌ها و مراجع بین‌المللی اغلب با چالش تفسیر و اعمال این مفاهیم در پرونده‌های خاص مواجه بوده‌اند. از سوی دیگر، بیشتر مقررات الزام‌آور حقوق بشردوستانه، از جمله حمایت زیست‌محیطی، ناظر به مخاصمات مسلحانه بین‌المللی هستند؛ اما بسیاری از مخاصمات معاصر (از جمله جنگ‌های داخلی، عملیات ضدتروریستی و منازعات گروه‌های غیردولتی) مشمول این قواعد نیستند یا مشمول آنها محل تردید و بحث است. در عمل، بیشترین آسیب به محیط زیست اغلب در همین مخاصمات رخ می‌دهد. یکی از خلأهای اساسی دیگر، نبود یک نظام مؤثر نظارتی و اجرایی برای الزام دولت‌ها و بازیگران غیردولتی به رعایت تعهدات زیست‌محیطی است. در بسیاری موارد، دادگاه‌ها یا کمیته‌های رسیدگی فاقد صلاحیت اجباری، ابزارهای اجرایی قوی یا مکانیسم‌های جمع‌آوری ادله هستند همین امر موجب شده دولت‌ها در عمل اغلب بدون نگرانی از پاسخگویی به تخریب‌های زیست‌محیطی مبادرت کنند. در دعاوی زیست‌محیطی، به ویژه در شرایط مخاصمه، اثبات رابطه علیت میان اقدام نظامی و آسیب به محیط زیست دشوار است. عوامل متعددی چون ماهیت پیچیده زیست‌بوم‌ها، آثار تجمعی یا تأخیری، فقدان داده‌های میدانی و نابودی شواهد، رسیدگی مؤثر را مختل می‌کند. این چالش عملاً امکان جبران خسارت و تحقق مسئولیت را کاهش داده است. قواعد موجود در برابر تهدیدات نوظهور مانند جنگ سایبری، سلاح‌های هوشمند، فناوری‌های ژئوانجینیرینگ یا حملات به زیرساخت‌های حیاتی زیست‌محیطی (مانند نیروگاه‌های هسته‌ای یا سدها) هنوز پاسخ کافی ارائه نداده‌اند. خلأهای هنجاری و کمبود دستورالعمل‌های خاص در مواجهه با این چالش‌ها به وضوح مشهود است.

در عمل، دولت‌ها معمولاً ملاحظات نظامی یا امنیتی را بر تعهدات زیست‌محیطی ترجیح می‌دهند و با استناد به ضرورت‌های دفاعی یا اضطراری، به آسانی قواعد محدودکننده را نادیده می‌گیرند. فقدان اراده سیاسی در بسیاری از موارد، مهم‌ترین مانع اجرای مؤثر هنجارهای حمایتی است.

نتیجه‌گیری

بررسی نظام حقوقی بین‌الملل درباره حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه نشان می‌دهد که طی دهه‌های اخیر، حرکت قابل توجهی از صرف توصیه‌های اخلاقی و هنجارهای نرم به سوی الزام‌آوری و عینیت‌بخشی قواعد حمایتی صورت گرفته است. تعهدات اولیه دولت‌ها در قالب اسناد معاهده‌ای، عرفی و اصول کلی حقوق بشردوستانه، به ویژه پروتکل‌های الحاقی کنوانسیون ژنو، کنوانسیون ممنوعیت کاربرد نظامی یا هر گونه کاربرد خصمانه از تکنیک‌های دستکاری محیط زیست، راهنمای کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و اصول کمیسیون حقوق بین‌الملل، چهارچوبی نسبتاً جامع برای کاهش آسیب‌های زیست‌محیطی ناشی از جنگ فراهم کرده است. در عین حال، تعهدات ثانویه و نظام مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها - که بر اساس پیش‌نویس مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل ساختاربندی شده - ضمانت اجرایی مؤثرتری را برای جبران خسارات و پاسخگویی دولت‌های متخلف پیش‌بینی می‌کند. افزون بر این، گسترش دکترین و رویه مسئولیت کیفری فردی، به ویژه با تصریح در اساسنامه رم و ظهور مفهوم «جنایات زیست‌محیطی»، افق تازه‌ای در بازدارندگی و مقابله با تخریب عمدی محیط زیست در جنگ گشوده است. با این حال، نظام فعلی با خلأها و چالش‌های جدی مواجه است؛ از جمله ابهام در معیارهای کلیدی، ضعف ضمانت اجرا، دشواری اثبات رابطه علیت و

محدودیت شمول قواعد بر منازعات داخلی و نوین. نمونه‌های عملی از مخاصمات اخیر، مانند جنگ روسیه و اوکراین یا اسرائیل و فلسطین، عمق آسیب‌پذیری محیط زیست و ناکارآمدی ابزارهای کنونی را آشکار می‌سازد و ضرورت اصلاح و روزآمدسازی قواعد، توسعه مکانیزم‌های اجرایی و ارتقاء اراده سیاسی و همکاری بین‌المللی را برجسته می‌کند. در نهایت، تحقق حمایت مؤثر از محیط زیست در زمان جنگ، مستلزم ترکیبی از اصلاحات هنجاری، تقویت سازوکارهای مسئولیت بین‌المللی (اعم از دولتی و فردی) و توجه به واقعیت‌های پیچیده مخاصمات معاصر است؛ امری که تنها با تعامل میان دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی، جامعه مدنی و توسعه دکترین حقوقی میسر خواهد بود. حفظ محیط زیست به عنوان میراث مشترک بشری، نه تنها یک تعهد حقوقی، بلکه ضرورتی برای بقاء نسل‌های آینده و تضمین صلح پایدار است.

منابع و مآخذ

- ۱) بابایی مهر، علی. (۱۴۰۱). حمایت از محیط زیست جنگل در مخاصمات مسلحانه بر پایه حقوق بشر بین‌الملل. فصلنامه مطالعات بین‌المللی. سال ۱۸. شماره ۴ (۷۲). ۱۰۵-۱۲۰.
- ۲) حسینی آزاد، سیدعلی. (۱۴۰۲). حقوق بین‌الملل محیط زیست دریایی. انتشارات گنج دانش.
- ۳) حکیمی، پویا، آرش‌پور، علیرضا، رئیسی، لیلا. (۱۳۹۸). راهکارهای حقوقی حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه در حقوق بین‌الملل و حقوق اسلامی. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. سال نهم. شماره دوم. ۲۴۳-۲۶۵.
- ۴) دیهیم، علیرضا. (۱۳۸۰). درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول.
- ۵) راعی دهقی، هاجر، نجفی، جواد. (۱۳۹۵). حفاظت از محیط زیست در قبال خسارات ناشی از درگیری مسلحانه. فصلنامه علوم محیطی. دوره چهاردهم. شماره ۲. ۱۳۹-۱۵۴.
- ۶) عسکری، پوریا. (۱۴۰۱). حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه از دیدگاه کمیسیون حقوق بین‌الملل و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ. مجله حقوقی بین‌المللی. شماره ۶۷. ۱۴۱-۱۶۹.
- ۷) میرعباسی، باقر، رضائی، محمدرضا. (۱۳۹۸). مسئولیت بین‌المللی دولتها ناشی از تخریب محیط زیست در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی (مطالعه تطبیقی حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق بین‌الملل کیفری). پژوهش‌های حقوق تطبیقی. دوره ۲۳. شماره ۲. ۱۳۵-۱۵۷.
- 8) Birnie, P., Boyle, A., & Redgwell, C. (2021). *International Law and the Environment*. Fourth ed. Oxford University Press.
- 9) Bodansky, D. (2010). *The Art and Craft of International Environmental Law*. Harvard University Press.
- 10) Boothby, W. H. (2022). Protection of the Environment during Armed Conflict: Progress and Remaining Gaps. *Journal of International Humanitarian Legal Studies*, 13(2).
- 11) Cassese, A. (2008). *International Criminal Law*. Second Ed. Oxford University Press.
- 12) Convention on the Prohibition of Military or Any Other Hostile Use of Environmental Modification Techniques (ENMOD)
- 13) Crawford, J. (2013). *State Responsibility: The General Part*. Cambridge University Press.
- 14) Dinstein, Y. (2016). *Non-International Armed Conflicts in International Law*. Cambridge University Press.
- 15) Doswald-Beck, L. (Ed.). (1995). *San Remo Manual on International Law Applicable to Armed Conflicts at Sea*. Cambridge University Press.
- 16) European Parliament. (2023). *Consequences of the Destruction of the Kakhovka Dam in Ukraine*.

- 17) Fleck, D. (Ed.). (2013). *the Handbook of International Humanitarian Law*. Third Ed. Oxford University Press.
- 18) Guilfoyle, D. (2022). *The San Remo Manual on International Law Applicable to Armed Conflict at Sea: 25 Years On*. *International Review of the Red Cross*, 104(919).
- 19) ICC OTP (Office of the Prosecutor, International Criminal Court). (2023). "Statement of the Prosecutor regarding the Situation in Ukraine."
- 20) ICJ (1996). *Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons*, Advisory Opinion.
- 21) ICJ (2010). *Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay)*, Judgment.
- 22) ICJ (International Court of Justice). (1949). *Corfu Channel Case (United Kingdom v. Albania)*.
- 23) ICJ (International Court of Justice). (2004). *Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory*, Advisory Opinion.
- 24) ICRC (International Committee of the Red Cross). (2020). *Guidelines on the Protection of the Natural Environment in Armed Conflict*.
- 25) ILC (International Law Commission). (2022). *Draft Principles on Protection of the Environment in Relation to Armed Conflicts*.
- 26) Keith, D. W. (2000). *Geoengineering the climate: History and prospect*. *Annual Review of Energy and the Environment*, 25.
- 27) Nollkaemper, A. (2022). *Environmental Protection in Armed Conflict: The ILC's Draft Principles as a Vehicle for Innovation and Reform*. *International Review of the Red Cross*, 104(919).
- 28) Pratt, K. (2023). *The ILC Principles on Protection of the Environment in Armed Conflict: Progress and Prospects*. *International & Comparative Law Quarterly*, 72(1).
- 29) *San Remo Manual on International Law Applicable to Armed Conflicts at Sea*, 12 June 1994.
- 30) Sands, P., Peel, J., Fabra, A., & MacKenzie, R. (2018). *Principles of International Environmental Law*. fourth Ed. Cambridge University Press.
- 31) Schabas, W. A. (2016). *An Introduction to the International Criminal Court*. Fifth Ed. Cambridge University Press.
- 32) Schmitt, M. N., & Green, J. A. (2022). *The Oxford Guide to International Humanitarian Law*. Oxford University Press.
- 33) Schmitt, M. N., & Green, J. A. (2022). *The Oxford Guide to International Humanitarian Law*. Oxford University Press.
- 34) Stephens, T. (2021). *Protecting the Natural Environment in Armed Conflict: The ICRC's 2020 Guidelines*. *International Review of the Red Cross*. 103(916-917).
- 35) *Trial of the Major War Criminals before the International Military Tribunal, Nuremberg*, 14 November 1945 – 1 October 1946, Vol. I.
- 36) UNCC (United Nations Compensation Commission). (2005). *Report and Recommendations Made by the Panel of Commissioners Concerning the First Instalment of "F4" Claims*.
- 37) UNEP (2023). *Ukraine: Environmental Impact of the Conflict*.
- 38) UNEP (United Nations Environment Programme). (2021). *Environmental Impact of the Recent Escalation in the Gaza Strip*.
- 39) UNGA (United Nations General Assembly). (1992). *Resolution 47/37: Protection of the Environment in Times of Armed Conflict*.
- 40) UNGA (United Nations General Assembly). (2001). *Resolution 56/4: Observance of Environmental Norms in the Drafting and Implementation of Agreements on Disarmament and Arms Control*.
- 41) UNGA (United Nations General Assembly). (2016). *Resolution 71/257: Observance of International Law*.

Primary and Secondary International Obligations of States to Protect the Environment in Armed Conflict

Abstract

The environment, as the common heritage of humanity, is exposed to increasing threats arising from armed conflicts; threats whose effects sometimes extend far beyond the military arena to future generations. Given the complexities of contemporary wars and the use of new military tools and methods, environmental protection during conflicts has become one of the fundamental concerns of international law. This article, with an analytical approach, examines the international obligations of States to protect the environment in armed conflicts and examines key international documents, including the Geneva Conventions and Additional Protocols, the Convention on the Prohibition of Military or Any Hostile Use of Environmental Modification Techniques, the Rome Statute, and the Draft Principles of the International Law Commission. Also, by analyzing the fundamental principles of humanitarian law, the various dimensions of the obligation of states to observe environmental considerations in times of war are explained. While explaining the guarantees of performance and responsibilities arising from the violation of these obligations, examples of environmental damage in contemporary conflicts are examined to reveal the existing legal challenges and shortcomings. Finally, the article takes a step towards promoting environmental protection during times of war by presenting proposals for strengthening international support mechanisms.

Keywords

International environmental law, armed conflicts, humanitarian law, international obligations, International Law Commission
